



تعاونی های کارگری

علیه فلاکت و بیکاری؛

برای اتحاد صفوف طبقه کارگر در ایران



مجموعه مقالات

(جزوه اول)

اگر ما کارگران بداد هم برسیم ... اما چگونه؟

مقدمه

در وضعیت مصیبت بار کارگران و مردم زحمتکش، صدای اعتراض جمعی ما برای تغییر دادن این وضعیت، برای وادار کردن دولت به مسئولیت در قبال زندگی بیکاران، برای افزایش دستمزدها و مقابله با قحطی و گرانی از اهمیت حیاتی برخوردار است. نباید گذاشت هر روز و هر ساعت، این وضعیت از میان انسانهای بیگناه، اینطور بی رحمانه قربانی بگیرد. یکی در جوانی از فرط تحمل فشار روحی و جسمی سکنه میکند. یکی خود به دست خودش به زندگیش خاتمه میدهد. آن یکی به اعتیاد و دیگری به تن فروشی پناه میبرد... فرق نمیکند، تا آنجا که به ما مربوط میشود باید کاری کنیم که هر چه زودتر جلوی این جنایات گرفته شود.

همین جا باید تاکید کرد که مبارزه برای برخورداری از بیمه های اجتماعی و وادار کردن دولت به مسئولیت در قبال شهروندان معنی اش این نیست که خود ما در قبال مشکلات یکدیگر بی وظیفه هستیم. ما موظفیم که یکدیگر را تنها نگذاریم و بداد هم برسیم. این رسم برادری است. بدون اینکه به این وظیفه پایه ای خود در قبال برادران و خواهران طبقاتی خود عمل کنیم و به آن پایبند باشیم، انتظار بوجود آمدن وحدت و همبستگی طبقاتی، انتظار بی جایی خواهد بود. راه تشکل را کسانی طی میکنند که بخواهند دست همدیگر را محکمتر بگیرند. دستگیری از همدیگر و خواست و تمایل کمک به همدیگر مقدمه هر اتحاد و تشکل های پیشرفته تر است.

این راه و رسم طبقاتی کارگری است که هر وقت پای مصیبتی از زندگی کارگران به میان میاید، در ادامه محکوم کردن مسیبین، و در ادامه فحش دادن به حکومتی که ما را محکوم به تحمل این مصائب نگه میدارد، باید به خودمان هم رو کرده و با هزار و یک

تاکید گفته گفت و باور داشت که اگر ما بداد همدیگر برسیم، فاجعه ها نمیتوانند این ابعاد را داشته باشند. جا دارد ما کارگران به خود نهیب بزنیم که اگر ما رویمان را

برنگردانیم، اگر ما حواسمان به کارگر بغل دستی مان باشد، اگر ما حق برادریمان را بجا بیاوریم، همکارمان از زور فقر خود را نمیکشد، دختر جوان همسایه رای لقمه ای نان به تن فروشی نمیافتد و آن یکی از زور استیصال به دیوانه خانه روانه نمیشود.

بداد همدیگر برسیم، پشت همدیگر را خالی نگذاریم، پیش قدم باشیم. اما این یک فراخوان به مددکاران اجتماعی نیست. این فراخوان رو به کارگرانی است که رمز موفقیت را در اتحاد صفوف طبقه خود میداند. این فراخوان کمک به همونوع هست، اما فراتر از آن موتور محرک مبارزه دست جمعی و شناخت از موقعیت طبقاتی نزد کارگران در حیطه فعالیت است. ما نیروی انسانهای محروم جامعه را، نیروی استثمار شونده را که منافع مشترک و یکسان دارند، برای حل مسائل خود، به حرکت درمیآوریم.

یک فعال کارگری بنا به تعریف سرمشق بقیه و در برادری طبقاتی نمونه است. اما بیش از هر چیز در این میان فعال کارگری ما میتواند نشان دهد که انسانهای دیگر، زحمتکشان دیگر و کارگران دیگر را درگیر مسائل گریبانگیر خود کند، آنها را به دخالت و ایفای نقش وا دارد. منظور این نیست که یک فعال کارگری یک تنه به جنگ مصائبی برود که این جامعه هر ساعت از نو تولیدشان میکند. این فراخوان رو به فعالین کارگری و نوع فعالیتی دارد که در محل آنها را که میتوانند را بسیج کنند، آنها را به خود بیاورند، به کمک و دخالت وادارند و کاری کنند که حق برادریشان را بجا بیاورند.

مصائب موجود عظیم، گسترده و کمر شکن هستند. این مصائب مستقیماً از صف کارگران قربانی میگیرد، تباهی میافریند ولی بیشترین وجه مخرب در آن است که نیرو و توان واقعی برای مبارزه و برای تغییر شرایط را از چشم طبقه ما پنهان میسازد. راه نجات طبقه ما راه اژیتاتورهای سوسیالیستی است که خستگی ناپذیر نیروی سایر کارگران را بسیج میکند، است. این تنها راه ما است.

بدون گلاویز شدن با مسایل واقعی، بدون مبارزه برای بهبودهای واقعی در زندگی واقعی انسانهای زنده همین امروز، بدون درگیر کردن کارگران در مبارزه برای نجات همزنجیرانشان ... بدون این کارها معلوم نیست راه رهایی را چگونه آغاز یا چگونه به سرانجام میرسانیم.



برای ما مبحث تعاونی‌ها هسته مرکزی نگرش فوق را تشکیل میدهد. تعاونی‌ها جای سایر روشهای مبارزاتی طبقه کارگر را تنگ نمیکند، اما در عین حال این مبحث روی پای خود یک آلترناتیو چاره جویی طبقاتی از دل فلاکت و تفرقه به سوی شکل یابی توده ای طبقه کارگر، غیر قابل چشم پوشی است.

دست طبقه کارگر ایران، اساسا بدلیل فاصله و محرومیت از تجارب بین المللی جنبش جهانی کارگری، از تجربه در زمینه تعاونی‌ها

خالی است. آنچه بچشم میخورد، تجاربی است که عمدتا بورژوازی و دولت حاکم ابتکار آنها در دست داشته اند.

بررسی موقعیت تعاونی های کارگری در دو جزوه موضوع مجموعه مقالات است. تجربیات جنبش کارگری در امریکا، مشخصا در دهه های 1920 و 1930 در مقابله با رکود و بیکاری عظیم نقطه الهام بخش ما است. جنبش کارگری، همچنین حزبیت و فعالیت کمونیستی در امریکا در این مقطع انباشته و از فعالین کارگری مهاجر از اروپا (انگلیس و ایرلند) و روسیه جوشش بی نظیری را از سر گذراند. تعاونی ها به مباحث گرم این فعل و انفعالات متعلق بود.

فهرست

تعاونی های کارگری: بایدها و نبایدها – چراغ راه آینده

تعاونی های کارگری: سوداها و تحرک تازه در جنبش کارگری ایران

تعاونی های کارگری و جنبش کارگری – کمونیستی در ایران

جنبش تعاونی در امریکا در مقابله با بحران دهه 1930

تعاونی های کارگری: بایدها و نبایدها - چراغ راه آینده

تعاونی های کارگری از بحث های داغ مربوط به جنبش کارگری ایران به حساب می آید. تعاونی ها از عرصه های اصلی مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر در تاریخ جهان معاصر را تشکیل داده اند. جالب توجه اینجا است که جمهوری اسلامی بیشتر از هر حکومتی و بیشتر از فعالین کارگری سنگ تعاونی ها را به سینه میزند. تعاونی ها برای کارگر ایرانی تازگی ندارد، حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی تلاش متمرکزی را برای پا دادن به تعاونی ها در پیش داشتند. بعضا به همین دلیل رغبت کم کارگران را میتوان توضیح داد. به این تاریخ باید پرداخت. اما این نوشته به شناساندن تعاونی های کارگری اختصاص دارد، تعاونی کارگری چه هست و چه نیست و از زاویه منافع طبقاتی کارگری چگونه باید باشد؛ از این رو نوک تیز آن متوجه سازمان جهانی کار و خیل رسانه ها و اقتصاددانانی است که ظاهرا با تعاونی ها راه حلی را در مواجهه با بیکاری و فقر در مقابل توده های زحمتکش قرار میدهند.

تعاونیها بستر همیاری کارگران!

این یک رکن تبلیغات کثیف بورژوازی علیه طبقه کارگر است. "همیاری" شاه کلید بورژوازی در تبدیل مصائب ناشی از کارکرد سرمایه به سرنوشت بد و اتفاقی آحاد کارگر است که پس از آن با خرقة مصلحین خیر بر قله های رفیع سازمان دادن نظم اقتصادی ظهور یابد و دم از لزوم مشارکت خود کارگران در شاهراه آسایش و رفاه بزند. "همیاری"، برای طبقه کارگر، در عوض، نه بازی در زمین بورژوازی، بلکه تبدیل این عرصه بر علیه خود آنهاست. طبقه کارگر ایران هیچ بدهی به امر انسانی و وجدان انسانی این جامعه ندارد. سالخوردگان، کودکان، شاغلین و بیکاران، بیماران و معتادان آن جامعه بر دوش همت بی چشمداشت طبقه کارگر آن جامعه زنده اند. هر ذره از بیمارستان و مدرسه و آموزش و بیمه اجتماعی، اگر در کار بود، قبل از هر چیز به مثابه منبع دیگری برای باج گیری و مرده خوری عمل کرده است. زندگی روزمره مردم زحمتکش آن جامعه مملو از خدمات داوطلبانه به بستگان، همسایه و همکار است. پرتاب

کلفتی و ... بهایی است که طبقه کارگر آن جامعه و مردم زحمتکش در غیاب مسئولیت دولت و دزدی های آن به جان خریده اند. دیگر بس است. تعاونی ها را لازم داریم تا در کنار اتحادیه ها، بتوانیم در عین حال بخش های دیگر طبقه را گرد هم بیاوریم، زیر سقف دیگر متحد کنیم و با خواست های روشن و مشخص کل مبارزه مان را تقویت کنیم. ما تعاونی را برای بیماران مبتلا به دیابت ایجاد میکنیم صد البته برای آنکه پیشرف های صاحب کار و دولت از وظیفه خود قصور میکنند، اما در عین حال نیروی همه کارگران از جمله بستگان و همکاران بیمار و خود بیمار را برای تنها راه برحق و موثر، یعنی تحمیل بیمه های درمانی مجانی بسیج خواهیم کرد. ما خوب میدانیم و با هر قدم در راه تعاونی ها، هزار بار فریاد میزنیم، که عامل این مصائب نظام سود سرمایه است، راه حل فوری و قطعی ما شکار لحظات مناسب برای به زیر کشیدن سرمایه داری است.

تعاونی ها علیه گرانی!

گرانی امان همه ما را بریده است، دهها عامل میانی از قیمت دلار و نرخ بهره بانکی گرفته تا محتکر و سود جوی عمده فروش و دکان دار وضعیت را از هر گونه تحمل خارج کرده اند. تعاونیهای توزیع متداول ترین نو تعاونی است که با کوتاه کردن دست واسطه ها قیمت ها را قابل تحمل تر نمود. اما در این مورد باید بخاطر داشت تعاونیها باید از پذیرش هر گونه مسئولیت در تهیه مواد خودداری نمایند. دولت تنها مرجعی است که میتواند، از ابزارهای قانونی و بانکی و غیره برخوردار است که مایحتاج عمومی را با قیمت مناسب در دسترس قرار دهد. همه میدانیم که بازی با قیمت دست مستقیم دولت در پایین نگه داشتن سطح معیشت طبقه کارگر را با خود دارد. مبارزه علیه گرانی بخشی از مبارزه طبقه ما برای دستمزدها میباشد، و تعاونی ها نمیتواند یک ابزار برای اجرا و یا توجیه دسیسه قیمت کالاها باشد، بر عکس، تعاونیهای مصرف میتوانند موثرترین ابزار بسیج کارگران در سطح مراکز تولید و محلات عمل کنند.

تعاونیها بستر اشتغال!

سازمان جهانی کار و وزارت کار و تعاون جمهوری اسلامی در برنامه مشترک از سر "دلسوزی" فریبکارانه کارگران را برای شغل و تامین پایه زندگی به ناکجا آباد تعاونی حواله میدهند. راستش همه فریبکاری آنها بر ترس امروز طبقه ما از بحران اقتصادی استوار است. قرار اینستکه خود ما مسئولیت اشتغال را بعهده بگیریم و از آن لحظه

مسئولیت تامین و رفاه خود و خانواده را به باد هوا بسپاریم. کنترل کارگری بر واحدهای دولتی آلترناتیو دیگری بر همین زمینه است. مادام که واحد تولیدی مد نظر بر اساس مناسبات سرمایه استوار است و فروش محصولات با قیمت و در نتیجه سود "مناسب" در گردش است، دخالت دولت از یک طرف و کاهش هزینه نیروی کار از طرف دیگر دو فاکتور تعیین کننده خواهد بود که در هر قدم تعداد بیشتری از کارگران را در مقابل تعاونی قرار میدهد. در مقابل، خواست کارگران جز دستمزد مناسب تا زمان اشتغال، و بیمه بیکاری پس از آن، نمیتواند باشد.

حمایت از تولیدات داخلی و دولت خودی!

... و اینجاست که تشریح رسوایی طرح های تعاونی رسمی و دولتی و نسخه های اصلاح طلبانه تعاونی ها از بام میافتد. قرار بود تعاونی ها نسخه کمک به اشتغال و معیشت کارگران عمل کند، اما این عمارت در مقابل ساده ترین انتظارات کارگران از همان قدم اول با خاک یکسان میشود. تعاونیها در منظر دولت جز خودمختاری تسلیم کارگران به منطق سود نیست، این خودمختاری مادام که کارگران را بخود مشغول میسازد میتواند بطرز نامحدودی و لنگار باش، میتواند خود را در زر ورق تلاشهای سوسیالیستی غوطه ور سازد. چه چیزی بهتر از کارگر در خیابان که برای معاش خود شرط و شروط (رشد صنایع داخلی) میگذارد و خاک منافع بورژوازی خودی بر سر میریزد؟ این فریاد هر چه کارگری تر، قاطع تر، رساتر و مملو از اتهام و چه بسا براندازتر باشد، چه بهتر!

تعاونیها یک فعالیت واقعی

بر خلاف آنچه بعضا دشمنان طبقاتی کارگران قلمداد میکنند تعاونیها سرپوشی برای اهداف سیاسی نیست. تشکیل تعاونی ها، یک هدف در خود است و باید باشد. مطلوبیت و همه زیبایی یک تعاونی در ساختار کارگری آن، در فضای تشریک مساعی و چاره جویی برای درد مشترک توسط انسانهای واقعی است. طبقه کارگر به دفتر و دستک دروغین و اشاعه نفرت علیه طبقه رقیب خود ندارد. همه زیبایی تعاونیها در این است که زخم های پیکر طبقه کارگر را از زیر عفریت موسسات مظلوم نوازانه بورژوازی متفرعن تازه بدوران رسیده ایران بیرون میکشد، و بجای آن حق طلبی را مینشانند، و نه تنها این، بلکه نتایج عملی دردنیای واقعی و بطور عاجل را میطلبد.

تعاونی های کارگری: سوداها و تحرک تازه در جنبش کارگری ایران

مقدمه

جنبش کارگری ایران در آستانه موج تازه و خیز بزرگی رو به جلو است. مساله تشکل و سازمان یافتگی محور این موج جدید را شکل داده است. باز بینی در زمینه تشکل بر شرایط عینی استوار است، ضرورت دارد و به یک نیاز فوری پاسخ میدهد... اعتصاب اخیر هفت تپه زمینه ها و جان تازه ای را برای جنبش کارگری به ارمغان آورد. این اعتصاب بیش از هر چیز نرم ها و روشها و مکانیزم های تا حال شناخته سازمانی و رهبری و به طریق اولی چگونگی پیشبرد اعتصابات را زیر و رو کرد؛ با برزندگی تحسین آمیزی از بروز ضعفها و کمبودها ابایی به خرج نداد و آمادگی در پذیرش ایده های جدید را به نمایش گذاشت. شورا و مجمع عمومی بعلاوه تعاونی ها و مساله کنترل کارگری موارد برجسته و قابل توجه هستند. اعتصاب هفت تپه به هر نتیجه ای برسد، فقط به خاطر شتاب و موضوعیت راه حل های "جدید" در مقابل توده های کارگر و در مقابل رهبران و تشکل های آن، به یاد ماندنی و قابل ستایش خواهد ماند. به شورا و مجمع عمومی باید جداگانه پرداخت. این نوشته به مساله تعاونی ها اختصاص دارد.

فشرده کلام، اینجا استدلال میشود که چرا تعاونی های تولیدی کنترل کارگری یک سیاست غلط است، و در عوض، چرا و چگونه تعاونی های مصرف (توزیع) کارگری میتواند مستقیما و بلاواسطه محور یک سیاست رفرمیستی طبقاتی کارگری قرار بگیرد.

تعاونی ها: غفلت دیروز - توجه امروز

قدمت تعاونی های کارگری به قدمت جنبش سوسیالیستی کارگری جهانی و در ارتباط تنگاتنگ با آن است. در تاریخ صد و بیست ساله جنبش کارگری در ایران، تعاونی ها نمیتواند موضوع جدیدی باشد. جنبش کارگری در ایران، همواره پرتحرک ترین و قویترین از نوع خود در کل منطقه و چه بسا در جهان، در مقاطع طولانی سازمان یافته، متحزب، تحت تاثیر جریانات و ایده های چپ و کمونیستی قرار داشته، تقریبا تمامی

پیشروان آن اگر نه رادیکال و انقلابی، دست کم مستقیماً مارکسیست بوده؛ و بارها با پرچم منافع خویش، نقش تعیین کننده ای را در جدلهای سیاسی جامعه ایفا کرده اند.

آنچه که پرداختن به مبحث تعاونی را ضروری میسازد دلایل عینی و نیاز میرم به پاسخ به سوالاتی است که مبارزات جاری بر آن تاکید میگذارد. فصل تعاونی ها در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران بی بضاعت است، در طول این تاریخ، چه در زمان رژیم پهلوی و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، به درجات مختلف پدیده تعاونی ها در محیط های کارگری در جولان بوده است، اما هیچ وقت نتوانست جز در موارد محدود، توجه جدی جنبش کارگری را به خود معطوف دارد. کند و کاش در زمینه و علل این عدم عطف توجه زمینه اصلی این نوشته خواهد بود. برای این منظور مختصراً تاریخچه صد ساله تعاونی ها و مشخصاً تعاونی های کارگری از "اصل چهار" حکومت پهلوی تا شوراهای اسلامی و وزارت تعاون در جمهوری اسلامی، و آنچه بنام بحران و افول تعاونی های توزیع دولتی در مراکز کارگری از آن نام برده میشود، مرور خواهد شد.

رو به آینده، با طرح و استدلال و بررسی چند و چون چند مولفه اساسی و مشخصاً، تحولات اساسی در سیاستهای جمهوری اسلامی در راس طبقه بورژوا در مقابل جنبش کارگری، بحران معاش برای توده های کارگر، سنتهای اسفبار مبارزه ضد رژیم، بحران ساختاری اتحادیه های کارگری در ایران سعی میشود شرایط عینی پیشرفتهای مبارزاتی و طبقاتی کارگری در مسیر تجربه "جدید" از تعاونی ها بدست داده شود و یا دست کم به پاکرفتن چنین بحثی خدمت موثری صورت پذیرد.

تعاونی ها در بوته آزمایش کلاسیک طبقه کارگر

تعاون به معنای همپاری و مشارکت اقتصادی - اجتماعی مردم زحمتکش قرنهای سابقه تاریخی را پشت سر خود دارد. ضرورت دارد که از همان ابتدا تفکیک با اتحادیه های صنفی قرون وسطی، مرکب از صاحبان حرفه و به منظور نیل به اهداف صنفی معین مورد تفکیک قرار داده شود. این اتحادیه ها مانند اتحادیه اصناف مختلف، امروز هم کماکان فعالیت داشته و موجب سوء تفاهم و به انحراف کشیدن موضوع مطرح میگردند. در دوره رنسانس نیز همکاری میان تجار و صنایع اولیه اصطلاحاً تعاونی نام گرفته که در واقع معادل شرکت های سهامی عمل کرده اند.

دوره انقلاب صنعتی با بسط تولید و شکل‌گیری مناسبات کاپیتالیستی مصادف با شکافهای طبقاتی، استثمار و تسری بحران و بیکاری و سایر مکانیسم‌های سرمایه‌بصورت آلام و محرومیت طبقه کارگر و توده زحمتکش است. آیین حاکم اقتصاد آزاد بود، و هر فرد میبایست به توانایی خود و یا در بهترین حالت به خیریه‌ها متکی گردد. بزودی مکاتب گوناگون علیه نظام مبتنی بر سود سرمایه در عرصه تعاونی‌ها شکل گرفت و کل موجودیت و کارکرد آنها را دگرگون ساخت.

تا آنجا که مستقیماً به طبقه کارگر و ایده‌های سازمانیابی بر علیه مشقات روابط کاپیتالیستی مربوط باشد دو مکتب فرانسوی و انگلیسی در آن قابل شناخت است. سالهای دهه ۱۸۴۰ بخش بزرگی از مجادلات مارکس و انگلس صرف کلنجار و کنار آمدن با هر دوی این گرایش‌ها در صفوف بخش مهمی از اروپا گردید. این مقطعی است که توسط تاریخ‌نویسان زندگی‌نامه مارکس دوره ورود مستقیم مارکس در عرصه سازماندهی عملی جنبش کارگری دسته‌بندی میشود. مشخصاً مارکس و انگلس درگیر سازمان دادن اتحادیه‌های کمونیست‌ها، سر و سامان دادن به اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری در اروپا و امریکا زیر چتر انترناسیونال اول هستند، مباحث درخشان و تاریخ ساز "فقر فلسفه" و تمایز طبقه کارگر از اصطلاح رایج بینوایان و مظلومان، "نقد برنامه گوتا" در هموار کردن کسب قدرت توسط جریان‌های کمونیستی و کارگری آلمان، مواجهه با کمون پاریس، دخالت در سرنوشت چارتیسم و ارائه مانیفست کمونیست از جمله نبردهای فکری این دوره هستند که جملگی سر پلی را با مبحث تعاونیها در خود دارند. در سالهای حول و حوش ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ در دل طوفان انقلاب‌ها و شورشهای کارگری در امریکا و اروپا، در حالیکه نمایندگان بورژوازی از یک سو و پیشروان طبقه کارگر از سوی دیگر کمتر شبی خواب آسوده بر چشمها داشتند، تلاشهای مارکس در انترناسیونال اول و اتحادیه کمونیست‌ها روی یک محور خلاصه میشود: سازمان دادن مبارزه اقتصادی طبقه کارگر مبارزه سیاسی این طبقه است!

۱- تلاش برای شناساندن اهمیت و چگونگی این مبارزات در بیداری خودآگاهی طبقه کارگر

۲- خلاصی طبقه کارگر از راه حل‌های پرطمطراق "سوسیالیستی" با محتوای یتیم نوازانه و با افقهای پوچ

۳- ایجاد اتحادیه‌های توده‌ای با اعضای آگاه و رزمنده و متعهد؛ و از جمله متکی به

کمکهای مالی و حق عضویت

4- ایجاد فضا و روشهای اتحاد عمل میان گرایشات درون جنبش کارگری در عین ارزیابی های بیپروا

تعاونیهای اوئن و مکتب رفرمیستی انگلیسی

طبقه کارگر انگلیس یکی از بزرگترین بسترهای نهضت های تعاونی است. رابرت اوئن از برجسته ترین نمایندگان سوسیالیسم تخیلی است. "دنیا اکنون از ثروت اشباع شده، هنوز امکانات پایان ناپذیر افزایش آن وجود دارد، با این حال بینوایی بیداد میکند... این وضع باید دگرگون شود."

اختصاص کارخانه نساجی با 2000 کارگر به یک مدل سوسیالیستی، برقراری روابط عاطفی با کارگران، پرداخت حقوق مناسب، منع کار کودکان، کاهش ساعات کار، ایجاد صندوق پس انداز کارگران و ...

دهکده های تعاونی (نیو هارمونی): اسکان و کار مشترک حدود هزار نفر در 1500 هکتار زمین، تولید و مصرف در کنار هم، فروش مازاد به خارج دهکده و ...

مارکس در مورد این تلاشها در بیانیه انترناسیونال جای شبیه بجا نمیگذارد:

الف) ما جنبش تعاونی را بعنوان یکی از نیروهای متحول گرداننده جامعه حاضر، جامعه ای که بر آشتی ناپذیری طبقات بنا شده، برسمیت میشناسیم. قابلیت عظیم تعاونی ها در این است که در پراتیک میتوانند نشان دهند که نظام کنونی مستبد و فلاکت آور انقیاد کار توسط سرمایه را میتوان منسوخ مرد و نظام جمهوری اتحادیه تولید کنندگان آزاد و برابر را جانشین آن ساخت.

ب) اما جنبش تعاونی که محدود به شکل هایی بسیار کوچک از انکشافی است که بردگان مزد بگیر منفرد بوسیله در هم آمیختن می توانند بوجود آورند، به تنهایی قادر نیست جامعه سرمایه داری را متحول گرداند ...

اوئن براین باور بود که با ایجاد و گسترش جزایر "سوسیالیستی" از طریق جلب توجه سرمایه داران و کارگران میتوان بتدریج کل جامعه را بدون نیاز به انقلاب دگرگون کرد.

تعاونیهای پرودن و مکتب آنارشیستی فرانسه

پرودن ایجاد انواع و اقسام تعاونی ها، افتتاح . گشایش بانک معاوضه و غیره را بعنوان گریز از استثمار سرمایه داری توصیه مینمود. وی با دولت در هر شکل آن مخالفت می نمود و آنارشیزم را می ستود. او با شعار "مرک بر احزاب، مرگ بر دولت" خواستار "آزادی مطلق" همه افراد می شد.

مارکس، تعاونیها، اتحادیه ها و مبارزه اقتصادی طبقه کارگر

آنچه ارجاع به مارکس را در این بحث بطور ویژه ضروری و توجیه میکند سه نکته است:

اول: تعاونیها در تمام تاریخ خود بطور تفکیک ناپذیری با فعالیت اتحادیه ها گره خورده است. این اتحادیه ها هستند که سرخ تعاونی ها را در دست دارند. این راهی است که اتحادیه ها را در چاره جویی برای وضعیت اقتصادی کارگران عجین میسازد.

دوم: برای مارکس مبارزه اقتصادی طبقه با مبارزه گرسنگان و محرومان، مبارزه ای در چهارچوب کور و "هر چه دست آید غنیمت است"، هیچ قرابتی ندارد. به این معنا مبارزه اقتصادی نه مرحله ای بدوی در مقابل مبارزه سیاسی، نه پیش شرط، بلکه خود مبارزه سیاسی است.

سوم: برای مارکس مساله دولت و قانون یک مساله محوری است. تمام مواضع آنارشیستی بر علیه دولت برای مارکس مادام که یک افشاگری از اعماق توحش کاپیتالیسم است قابل احترام میباشد. رفرم برای مارکس اکیدا شامل دستاوردهای کوچک است که میتواند با تبدیل شدن به یک اهرم قوی برای وادار ساختن دولت به تغییر قوانین موثر واقع شود. به این معنا تعاونی همانقدر که تغییرات عملی و مادی کوچک را در دستور قرار میدهد، تنها زمانیکه در خدمت بسیج کارگران در مبارزه با سرمایه و طبقات حاکم نقش ایفا کند، سیاسی و انقلابی ترین ابزار جنبش کارگری است.

این دو نکته باز خوانی تازه ای از تمام تاریخ صد و بیست ساله از جنبش کارگری - کمونیستی ایران را بدست میدهد. این بازخوانی بخصوص رو به آینده و در حل معضلات دست بگریبان امروز حیاتی است. به این امر در ادامه نوشته پرداخته میشود.

تعاونیهای رسمی و دولتی در ایران

آغاز کار تعاونی در ایران به تاسیس اولین تعاونی روستایی در شهرستان گرمسار در سال 1314 بازمیگردد. این مورد سرآغاز تاسیس تعاونی در چهارچوب یک مدل اقتصادی بورژوایی از طریق تشویق و آموزش عمومی و بکمک مساعدتهای مالی دولت صورت میگرفت که تا جمهوری اسلامی و تا به امروز هم ادامه دارد. این تاریخ بطور فشرده و گذرا معرفی میشود:

حکومت رضاشاه

- تا سال 1320 جمعاً سه تعاونی با 1050 عضو کشاورز.
- ماموریت ویژه رضا شاه به وزیر کشور برای جلب توجه و اعتماد عمومی
- آغاز فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی دولت امریکا تحت عنوان "اصل چهار"
- فعالیتهای سازمان جهانی کار برای راهنمایی و تشکیل تعاونی

حکومت پهلوی دوم

- تصویب قانون جدید و مدرن تعاونی ها در سال 1350 و تشکیل وزارتخانه ویژه
- اصلاحات ارضی و رشد سرطانی تعاونی روستایی برای خرید ماشین آلات
- تعداد تعاونی های کارگری اعم از کار و تولید، مصرف و اسکان در سال 1346 برابر با 1576 است که تا یازده سال بعدتر به 1673 افزایش می یابد.
- هیچ شواهد و آماری دال بر تعاونی های کارگری غیر دولتی در دست نیست. هر گونه فعالیت مستقل کارگری تحت تعقیب دستگاههای جاسوسی قرار گرفته است.

"دوران طلایی" تعاونیها در دهه اول جمهوری اسلامی

فاصله سالهای میان قیام 57 تا پایان جنگ را میتوان دوره طلایی از رشد تصاعدی و بی وقفه تعاونی ها نامید. این تعاونی ها اساساً در محیطهای کارگری شکل گرفت اما نه از نظر اقتصادی و نه از نظر اجتماعی حاوی بار مثبتی برای طبقه و آحاد کارگر واقع نشد. یک هیاهوی پوچ، درد جانکاه توهم، تاوان سخت میلیونها کارگر در فقدان رهبران طبقاتی و کمونیست ... میتوان آنرا خلاصه کرد.

دلایل رشد تعاونی ها در محیطهای کارگری

- تبلیغات مغلطه های اسلامی-سوسیالیستی
- روحیه مثبت سازندگی در توهم به پیروزی انقلاب
- بیکاری ناشی از بحران اقتصادی، بلا تکلیفی پس از انقلاب، جنگ و ... بخش عظیمی

از کارگران صنعتی را به ایجاد تعاونی های تولیدی کوچک و عمدتاً نافرجام سوق داد.
- کانال توزیع کوپن و سبد کالایی به سمت شوراهای اسلامی به اسم تعاونی های مصرف جا زده شد.
- دولت و کمیته امام با یک سرمایه ناچیز کارخانگی زنان و کودکان را به اسم تعاونی های اشتغالزای "میکرو اکونومی" سازمان بدهد، استثمار کند و تشویق سازمان ملل و آی.ال.او را همراه خود سازد.

دوران چپاول تعاونی های

- پرونده های دزدی کلان مقامات خانه کارگر از صندوق اتحادیه تعاونی مصرف کارگری "امکان"
- دزدی و سوء مدیریت در اندوخته های تعاونی مسکن معلمان
- پرونده های بیشمار از دزدی در سبدهای کالای کارگران

دوران افول تعاونی های کارگری

بنا به آمار خانه کارگراز شصت هزار تعاونی ثبت شده، تنها سی درصد آنها فعال هستند. بیش از 90 درصد مراکز کارگری فاقد هر گونه فعالیت حول تعاونی های کارگری می باشند.

تعاونی های کارگری و جنبش کارگری – کمونیستی در ایران

قدیم ترین سند مربوط به تعاونیها در "پرگرام عملیات حزب کمونیست ایران" مصوب کنگره دوم این حزب (سال 1927 در شهر رضاییه) است:
 "در قسمت تشکیل شرکتهای تعاونی (کنوپراتیف ها)
 حزب کمونیست ایران توسعه هرگونه شرکتهای تعاونی را از وظایف خود می‌شمارد. حکومت جمهوری فدراتیو ملی باید منتهی درجه کمک را به شرکتهای تعاونی بعمل آورد. مخصوصا در قسمت جلب کردن فقیرترین طبقه های ملت بشرکت در این تشکیلات. قوانین جمهوری ملی باید مانع شود که صنفتهای ثروت دار شرکتهای تعاونی را مانند آلت استثمار و اسارت اقتصادی زحمتکشان بمنفعت خود بکار برند."

حزب کمونیست ایران بدون ذره ای تردید در عرض بیست سال فعالیت خود طبقه کارگر ایران را باندازه صد سال جلو برد. در دل یک جامعه بشدت فقر زده با یک حکومت سوپر ارتجاعی در راس یک بورژوازی تازه بدوران رسیده ولی حریص، وحشی استثمارگر و مجهز به یک پلاتفرم روشن طبقاتی ضد کارگری موجودیت طبقه کارگر را در نقشه سیاسی و اجتماعی - اقتصادی ایران ثبت کرد. صرف زاویه توجه برنامه عملی این حزب به تعاونی ها گویای جهت گیری داهیانیه و پیشرو به پیشبرد منافع طبقه کارگر است، اما تعاونی ها بخودی خود چیز زیادی در مورد جایگاه این حزب در تاریخ دستاوردهای طبقه و جنبش کارگری در ایران نمیگویند. برای قضاوت درست و منصفانه تر باید به میدان اصلی ابراز وجود این حزب در جنبش اتحادیه های کارگری در ایران کنکاش کرد، سبک کار، نوع اتحادیه، افق و مکانیزم های روی آوری به طبقه کارگر ...

برای ادای حق مطلب در ادامه روی دو الگوی مسلم تاریخ جنبش کارگری جهان مکث خواهد شد که هر یک به نوبه خود تصویر اتحادیه های کارگری توده ای در دل جامعه ای مملو از تحولات سیاسی و اجتماعی است.

یوسف افتخاری

افتخاری را باید اسطوره سازماندهی و اعتصاب نامید. او گلوله آتشی است که از دل فقر و استعمار و پراکندگی و عصیان نه محرومان بلکه طبقه کارگر را میبندد و سازمان اتحاد و مبارزه همه نشست و برخاستهای او با کارگران و خانواده های کارگری است. او اعجوبه تشکیل اتحادیه در هر جا که کارگر و استعمار هست، و حتی در زندان، میباشد. مطالعه فعالیتهای یوسف افتخاری از چند جهت با ارزش و غیر قابل اغماض است. سرگذشت و اسناد گرد آوری شده در کتاب خاطرات وی خواننده را با بسیاری ظرایف فعالیتی یک سازمانده بزرگ کارگری/کمونیستی تاریخ ایران در دوره های مهم تحولات مبارزه کارگری و در مراکز اصلی کارگری آشنا میسازد و بعلاوه او از سازمان دهندگان بزرگترین تشکیلات اتحادیه سراسری کارگری در ایران در سالهای 1320 است. در فعالیت فردی و تشکیلاتی او در زمینه تعاونی ها رد پای واضح را میتوان سراغ گرفت. او مبتکر ایجاد اولین و تنها باشگاه ورزشی کارگران ایرانی در شرکت نفت آبادان است که پوشش محل تجمع کارگران و ترویج آگاهی و سازمانیابی میان آنها عمل میکند. او از سازماندهندگان اتحادیه ای طرفدار سخت گیری در شرایط عضویت کارگران و از جمله تعهد به پرداخت حق عضویت است، افتخاری از طرفداران ضرورت برنامه ریزی دقیق اعتصاب و از جمله لزوم صندوق مالی است. دسترسی پیشروان طبقه کارگر ایران به تجربیات او در راه خیز برداشتن به سوی "غیرممکن ها" یک سعادت است. (شرح بیشتر در مقاله ضمیمه)

اردشیر آوانسیان

ارزش فعالیتهای کمونیستی و طبقاتی او در غنا بخشیدن به مفهوم اتحادیه در ابعاد اجتماعی و در دل توده های کارگر و زحمتکش است. او ازبنیان گذاران اتحادیه

کارگران قالیباف در ماموریت حزبی خود به خراسان است. مقالات "مجله کمونیست" در دشواری "یک اتاق کار محقر مرکب از یک حصیر و لحاف و دشک و بالش و یک کوزه آب" با تشریح شرایط کار کارگران اساسا خردسال از ادبیات کلاسیک کارگری - کمونیستی ایران ماندنی است، اما ماندنی تر الگوهای دخالتگرایانه و عملی این اتحادیه در شرایط زندگی کارگران قالیباف از جمله از طریق تعاونی کارگران است. (شرح بیشتر در مقاله ضمیمه)

در میان فعالیتهای آوانسیان در گیلان به موازات ماموریتهای اتحادیه ای، مسئولیت "مجمع فرهنگ" شایان توجه است:

" یکی از خدمات مجمع تشکیل کلاسهای اکابر برای محو بیسوادی بود ... در نتیجه کار این مجمع بین بینوان عده ای از بانوان گیلان بابتکار روشنگر خانم، جمیله صدیقی و سکینه شهرنگ به تشکیل "جمعیت سعادت نسوان" زدند. قابل توجه است که اولین جشن هشت مارس با نصب عکس کلارزتکین رهبر زنان جهان توسط این جمعیت در رشت در سال 1918 برگزار شد... اینجانب شخصا عضو منتخبه دستگاه رهبری مجمع فرهنگ، معلم کلاس اکابر، عضو جمع اجرایی (مجمع اکتورال) مجمع و از موسسین مدرسه دهقانی در قریه ویشگاه و مامور تبلیغات در دهات بودم."

تعاونیها و مبارزات کارگری در دوره معاصر

تاریخ معاصر جنبش کارگری- کمونیستی ایران خالی از پدیده تعاونی ها است که اساسا با جایگاه حاشیه ای مبارزات اقتصادی طبقه کارگر بهم گره میخورد. یک طرح کلی از برآمدهای جنبش کارگری در ایران قابل ترسیم است:

- بر متن دوره ای از شدیدترین محرومیت ها اساسا شامل کابوس نان و معاش، دستمزدهای ناچیز و معوقه بطور ناگهانی اعتصابات بزرگ و همه گیر آغاز میشود.
- سریعا دولت طرف حساب اعتصاب شده و پس از چند روز سرکوب و زور ... قوانین و وعده ها و تعهداتی بسیار فراتر از ظرفیت اعتصاب جاری را بعهده میگیرد.
- پس از کشمکش کوتاه اولیه و یک دور فرسایشی برای آزادی کارگران زندانی دوره جدیدی از محرومیت آغاز میگردد، وعده ها و اجرای قوانین فراموش میگردد.
- بعضا این روند بعنوان "خصلت عصیانی اعتراض طبقه کارگر در ایران" نامیده شده است، هر چه باشد این روند گواه سنتهای ضعیف نسبت به مبارزه اقتصادی میباشد که

- بنوبه خود مبارزه ای ضعیف و ناپیگیر از آب در میآید. خصوصیات مبارزه دارای وجوه زیر است:
- خیابان و تظاهرات جلوه های اصلی آن است
 - ضد رژیم است ولی عمدتاً در چهارچوب آلترناتیوهای سرمایه دست و پا میزند، خصوصی و دولتی! مدیریت خوب یا بد، سرمایه داری فاسد و رانت خوار، مخالفت با تغییر قانون کار و ...
 - بی توجهی آشکار به نتایج اقتصادی مبارزه معین و غلطیدن به ارزیابی های انتزاعی و دلخواه (سیاسی)
 - عدم توانایی کارگران و تشکلهای آنها در پیشبرد مبارزات موثر و طولانی
 - بی تفاوتی به ابعاد مبارزه در محلات زیست کارگری

دلایل بی تفاوتی به تعاونی ها در جنبش کارگری ایران

- وجود سایه سنگین دولت در این عرصه: قوانین، اجازه نامه ها، لزوم رابطه علنی با ادارات
- سایه سنگین سوابق دزدی مراجع رسمی
- عدم وجود مراجع قانونی روشن برای پیگیری دعاوی تعاونی ها
- وجود یک بازار سیاه بی در و پیکر
- سیاست های اقتصادی بحرانی و غیر قابل پیش بینی
- بنیه ضعیف مالی کارگران
- تعقیب و کارشکنی های امنیتی
- مهمتر از همه عدم وجود فعالین عملی این عرصه در میان کارگران و فقدان سنت و تجربه های موفق

تعاونی ها رو به آینده- بازگشت به نیشکر

"سندیکای هفت تپه با شهر شوش چه خواهد کرد؟" این سوال و تشویش بزرگ جمهوری اسلامی در راس بورژوازی ایران در تلاطم های حاد آذرماه بود. در مورد نقاط قوت و

تأثیرات این اعتصابات زیاد گفته شده است. اما هنوز جا دارد از یک پدیده و آنهم از تقسیم قدرت دوافکتو در شوش سخن گفت. اعتصاب نه فقط کارخانه نیشکر بلکه کل شهر شوش را در کنترل سندیکا قرار داده بود. حق داشتند. اعتصاب هفت تپه نه فقط تصفیه حساب با بن بست حکومت در پاسخ به تامین نیازهای مردم زحمتکش بود، بلکه عدم صلاحیت حکومت را اعلام میداشت و یک ادعای ساده را جار میزد: گم شوید!

امروز، روزی از روزها در بررسی نبردهای بزرگ اتحادیه های این مرز و بوم شهر شوش قبل و بعد از آذر ماه را زیر ذره بین قرار خواهند داد. سندیکا را در مقابل این سوال قرار خواهند داد: با اعتماد و همراهی و سمپاتی یک شهر چه میشد کرد و چه شد؟ سوال اینست کجا و چگونه کارگران هفت تپه و سندیکای آنها متحدتر، منسجم تر بیرون آمده اند؟

تعاونی ها به فضای قدرتمند مادی – طبقاتی این سوال تعلق دارد. این سوال مرز گذشته و آینده، مرز در جا زدن و پیروزی را رقم میزند. بدون شک تا همین جا زحمتکشان شوش و کارگران و افکار عمومی با حمایت بیدریغ تاکتونی شایسته آنند که سندیکای خود را در مقابل این سوال بیابند.

تعاونی ها و اتحادیه ها

تعاونی ها و بهبودهای عملی حاصل فعالیت آنها به طریق اولی یک هدف در خود بوده و در پیشبرد امر مبارزه طبقاتی کارگران ضروری و غیر قابل اغماض است. اما بخودی خود، مجمع الجزایری از تعاونی ها و در غیاب نفس مبارزاتی کارگری جز بهبودهای جزئی ره به جایی نمیرد. مبارزات اقتصادی برای پیروزی خود به اتحادیه ها نیاز دارد تا بتواند دولت را برای تامین شرایط قابل قبول اقتصادی به زانو درآورد. منطق کارکرد اقتصادی سرمایه داری بر تعدی بی وقفه به دستمزد و معیشت و شرایط کار کارگران استوار است. هیچ تعاون و هیچ اعتصاب پیروزمندی جز زمانیکه بر این دست درازی فایق نیامده نه قابل اطمینان و نه حتی غرور انگیز است. تعاونی ها ابزاری در دست اتحادیه ها برای دستیابی به بهترین تخته پرش ممکن میتواند عمل کند.

چرا تعاونی های کنترل کارگری یک سیاست غلط است؟

این تعاونی ها مادامکه در چهارچوب بازار سرمایه داری حرکت میکند سرعیا به یک موتور قدرتمند تفرقه و بهره کشی از کارگران عضو تبدیل میگردند. چنین تعاونی مستلزم یک سرمایه اولیه مناسب که با توجه به سطح تکنیک و مکان و گمرکات و بهره قروض آن، اگر غیر قابل حل نباشد، از همان ابتدا بختکی در خارج از دایره کنترل اعضا به آن تحمیل میکند. حتی مصادره و واگذاری مجانی واحد تولیدی تغییر اساسی در اصل مساله ایجاد نمیکند. مادام که فروش محصول و سود حاصله چرخش تولید را تضمین میسازد، محصول قابل رقابت مستلزم کاهش هزینه نیروی کار خواهد بود. به این ترتیب کارگران داوطلبانه به چماق سرمایه تبدیل میگردند. این همیشه جزو سیاست شناخته شده و یک آرزوی آشکار سرمایه بوده است که کارگر را در "واقعیت" تلخ حفظ تولید و تهدید رقابت شریک سازد.

مساله اساسی دیگر جلوگیری از ورود تولیدات خارجی است. محدودیت ورود کالاهای خارجی یک سیاست ضد کارگری برای حفظ گردش پر سود همپالکی بورژوا با مکیدن خون رفقای هم طبقه ای در بیغوله های تولیدی و در توحش قانون کار وطنی است. تعاونی کنترل کارگری در واقع و به سادگی به معنای واگذاری کنترل بخشهای دیگر زندگی کارگر بر معیشت خویش به طبقه بورژوا است.

تعاونی های تولید کوچک و توزیع، چرا و چگونه؟

این تعاونی ها برای تهیه مواد لازم با بسیج نیروی سازمان یافته مردم رو به دولت دارند و برای توزیع به عقل و احترام و همبستگی مردم متکی هستند.

تعاونی ها و عرصه کار در محلات

تعاونی ها میتواند و باید فعالیت خود را متوجه محلات زیست کارگری کند. این نقطه قوت شناخته شده تعاونی ها است، تقویت دخالت خانواده های کارگری، تضمین دخالت کارگران بیکار و بازنشسته

- تعاونی کارگری رختشویخانه های محلات شوش (یا سنندج ، اراک، اهواز و یا بافق)

- تعاونی کارگری مهد کودکهای محلات شوش

- تعاونی کارگری بیماران دیابت (مرض قند) شهر شوش
- تعاونی تولید محصولات (از سبزیجات تا وسایل و خدمات پیشرفته تکنیکی) محلی در شوش
- فروشگاههای تعاونی با حذف واسطه ها و با قیمت ارزان در محلات شوش
- تعاون برای تسهیل خانه های مستاجری کارگران
- تعاون برای دسترسی به ایاب و ذهاب آسانتر برای کارگران و خانواده های آنها
- تعاونی دسترسی به کامپیوتر و آموزش امنیت کامپیوتر
- تعاونی پاتوقها و باشگاههای کارگری

...

همگی با ابتکار مستقیم اتحادیه نیشکر، تحت نفوذ اتحادیه و با هماهنگی مسئولان اتحادیه

در این تعاونی ها:

- سود بسیار ناچیز است
- کار کودکان ممنوع است
- یک زن بیوه زحمتکش افغانی برای شیر بچه اش دلهره خواهد داشت
- عالم و آدم میدانند پشتیبان مالی اتحادیه است
- خانواده کارگران اعتصابی خود بخود حق برداشت مجانی نیازهای خود را دارند.

...

مساله اساسی در این بحث اینستکه:

اولاً: اینگونه فعالیتها جزو لایتهزای تدارک یک مبارزه اقتصادی موفق نمیتواند از نظر پنهان بماند

ثانیا: اینگونه فعالیتها نمیتواند جزو لایتهای نتایج بجا مانده از یک مبارزه اقتصادی موفق از نظر دور بماند.

مبارزه طبقاتی یک کشمکش میان قدرتهای مادی و واقعی طبقات است، اتحاد و آگاهی جز در بیان سازمانی و تشکیلاتی یک افسانه (مخرب) از مبارزه جویی بیش نیست. یک مبارزه اقتصادی موفق تنها میتواند با نیروی تعیین یافته آگاهی طبقاتی کارگران در مقابل بورژوازی بصورت یک تشکل یا هر درجه از سازمان یافتگی معنی پیدا کند، و تمام تار و پود این پروسه بزرگترین و واقعی ترین و عملی ترین پیشرفت طبقه کارگر در زمین سیاسی را به همراه دارد.

منابع

بیات کاوه و تفرشی مجید، "خاطرات دوران سپری شده" (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری)

دارالشفاء، یاشار. "تاریخ تحلیلی جنبش کارگری ایران".

پایدار، ناصر. "تاریخ جنبش کارگری ایران".

پرواند، آبراهامیان. "ایران بین دو انقلاب".

قزوینی، محمود. "اعتصاب خوزستان"، اقتباس از کتاب خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری)

حکمت، منصور. "سمینار درباره مبارزات اقتصادی طبقه کارگر".

گروه نویسندگان شانگهای، "تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی".

سامانی، جلال، "پیدایش و تکامل طبقه کارگر (از آغاز تا 1917)".

سعیدی، ناصر. "تاریخچه مبارزات و بحث های پیرامون کنترل و مدیریت کارگری"، کتاب پژوهش کارگری، شماره 1.

مزدک. اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال-دمکراسی ایران.

مارکس و انگلس، اسناد انترناسیونال اول. حجت برزگر.

مارکس و انگلس، جامعه بین المللی کارگران، ترجمه فرهاد بشارت.

تارخچه تعاونی ها در ایران، صفحه اینترنتی وزارت تعاون.

جنبش تعاونی در امریکا در مقابله با بحران دهه 1930

هنگامی که بازار سهام در اکتبر 1929 سقوط کرد، یک دهه سقوط اقتصادی، که به عنوان "رکود بزرگ" شناخته می‌شد، در ایالات متحده چیره شد و به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. در ایالات متحده یک چهارم جمعیت از کار بیکار شدند. در طی مدت زمان کوتاهی زاغه نشین‌هایی که به عنوان "هوورویول" ("hoovervilles") شناخته می‌شدند (کنایه به تقصیر رئیس جمهور وقت، Hoover، به خاطر بحران) یکی پس از دیگری در کنار شهرها در سراسر کشور سر برآورد. کارخانه‌ها عاطل و باطل میماندند، در همان حال کشاورزان کالایی تولید می‌کردند که نمی‌توانستند آن را بفروشند. خشکسالی‌های شدید و طوفان‌های گرد و غبار که باعث شد کشاورزان را از زمین‌های خود بیرون کنند، بر وخامت اوضاع افزود. دهها هزار خانواده برای فرار از محرومیت‌های ناشی از بحران، سر از مزارع به ویژه در اوکلاهما و تگزاس و کالیفرنیا درآوردند. تصاویر این زمان در صحنه‌های حاکی از صف‌های طولانی در انتظار کار، نان و سوپ در رمان "خوشه‌های خشم" نوشته Steinbeck برای مردم جهان آشنا است.

این حرکت، بزرگترین جنبش علیه بیکاری در تاریخ ایالات متحده است که با پرچم پاسخ پایین به بالا در مقابل رکود بزرگ ظهور کرد. این جنبش، که به عنوان جنبش تعاونی "خود-یاری" (SELF-HELP) شناخته میشود، در سال 1932، زمانی شکل گرفت که کارگران بیکار از کمیسیون در لس آنجلس، به مزارع کشاورزان در حومه شهر رفتند، و در ازای نیروی کار خود، بجای دستمزد غذا مطالبه نمودند. بزودی، محصولات کفاف دستمزدها را نداد و همگی، در دامان گرسنگی اسیر ماندند.

15 ژانویه 1933: پس از کار در مزارع، اعضای تعاونی دستمزد خود را در سبزیجات جمع‌آوری کنند. منبع: لس آنجلس تایمز

آنچه که از تبادل کار ساده و فردی متولد شد، در نهایت تبدیل به یک جنبش توده‌ای در

سراسر کشور گردید و بیش از 1.3 میلیون نفر در 30 ایالت را فرا گرفت. علارغم نسخه ساده "غذا به ازای دستمزد" هدف اولیه جنبش تعاونی خود-یاری بسیار بلند پروازانه بود و اشتغال کامل برای همه آمریکایی ها از طریق ایجاد تعاونی های کارگری و مصرف کننده را در افق خود داشت. در عرض مدت کوتاهی دامن این جنبش از مبادلات کشاورزی فراتر رفت و تعداد زیادی از فعالیت های دیگر، از جمله فروشگاه های کفش، خدمات پزشکی، نانوائی ها، تهویه، ایستگاه های گاز و سرویس، و همگی بر اساس اصول همکاری را شامل گردید. مرکز حرکت این جنبش در لس آنجلس بود و بیشتر در کالیفرنیا. در گزارشی در مورد این تعاونیها میخوانیم:

در تعاونی در سانتا مونیکا، اعضا در زمینه تولید پنیر و لبنیات کار می کردند. آنها با کالج کشاورزی در UCLA موافقت کردند تا درختان را در مزرعه تجربی UCLA کاشته و در مقابل از محولات میوه دستمزد خود را دریافت دارند.

تعاونی "هانتینگتون پارک" روی باغچه های سبز در زمین های برهوت خارج شهر متمرکز بود، که جمع آوری بیش از 27000 پوند محصولات تازه در یک چهارم سال 1936 حاصل فعالیت آنها ثبت شده است. به طور معمول، تعاونی ها قادر به یافتن ساختمان های خالی برای استفاده بدون هزینه برای مکان های ملاقات، ذخیره کالاهای مبادلاتی خود، و انجام کسب و کار بودند.

طولی نکشید سیستم های مبادله و ارز جدید منعطف با شرایط کار تعاونی ها پا گرفت و مثل برق گسترش یافت. مبادله مهارت کار در مقابل نیازها یک نمونه از این خلاقیت ها است. انجمن بورس بیکاران (UXA) زمانی آغاز شد که ساکنان زاغه نشینان "شهر لوله" (Pipe City) در اوکلند، کالیفرنیا دست به ارائه تعمیرات خانگی مردم در ازای کالاهای مازاد بر احتیاج خانه های مزبور زدند:

"اعضای تعاونی با انجام این تعمیرات اسباب مازاد را دریافت کرده و سپس مابین خود بنا به تمایل و نیاز تعویض میکردند. در قدم بعد در تعاونی یک کمیسیون تشکیل شد تا امر تعمیرات و مبادلات در سطح شهر و مزارع اطراف هماهنگ گردد. در عرض شش ماه، تعداد اعضای تعاونی 1500 عضو بود و دایره فعالیت پر رونق اقتصادی آن شامل

کارخانه ریخته گری و ماشین، فروشگاه چوب، گاراژ، کارخانه صابون، فروشگاه چاپ، تعداد زیادی چوب، کارخانه های زراعی و کارخانه های چوب بری میشد. آنها 18 کامیون را از ضایعات بازسازی کردند. این تعاونی تا حد توزیع 40 تن مواد غذایی را در سابقه خود ثبت نمود.

کار اعضای تعاونی بر اساس یک سیستم زمانی محاسبه میگردد، هر ساعت کاری معادل صد امتیاز بود. هیچ سلسله مراتبی از مهارت ها وجود نداشت و همه کارها به یکسان پرداخت می شد. اعضا می توانستند از اعتبارات کسب شده خود برای خرید مواد غذایی و یا برخورداری از خدمات پزشکی و دندانپزشکی، کوتاهی مو و موارد دیگر استفاده کنند. یک شورا متشکل از 45 هماهنگ کننده به طور منظم برای حل مشکلات و بحث در مورد فرصت های تازه حضور بهم می رساندند. "

در سال 1934، نویسنده اپورتون سینکلر، نویسنده ی محبوب سوسیالیست، بر اساس کار تعاونی ها یک پلاتفرم به نام "پایان فقر در کالیفرنیا (EPIC)"، را برای فرماندار شهر طرح نمود. این پلاتفرم با عنوان "من، فرماندار کالیفرنیا: چگونه به فقر پایان دادم، یک داستان واقعی و متعلق به آینده" منتشر گردید.

این پلاتفرم اساسا شامل پایان بیکاری با اشتغال بیکاران در مزارع بکر و بکار اندازی کارخانه ها از طریق تعاونی بود. "، خواستار پایان دادن به بیکاری با قرار دادن بیکاران در مزارع و کارخانه های استفاده نشده و به عنوان تعاونی ها بود. در این پلاتفرم محصولات به منظور تامین نیازهای مردم تهیه شده و دولت برای حمایت از تعاونی ها، بیماران و سالمندان پیش بینی شده بود.

با وجود بهره مندی از حمایت عظیم مردم، مبارزات انتخاباتی اونتون سینکلر پس از یک جنگ طولانی و تلخ با شکست روبرو شد. در حالی که تعاونی ها به ویژه در لس آنجلس، همچنان از حمایت در میان مردم برخوردار بودند؛ از نظر اقتصادی مظنون به "تلاش های کمونیستی"، حمایت های سیاسی و مالی خود را بتدریج از دست دادند.

این جنبش در سال 1940، هنگامیکه فرمانداری کالیفرنیا همه همکاریهای مالی و اداری خود را به پایان رسانده بود، افول کرد.

جنبش تعاونی SELF-HELP به طور عمده برای تأثیرگذاری بر تعهدات اجتماعی دولت امریکا در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ شناخته می شود. تعاونی و اتحادیه های اعتباری که امروز نیز کماکان باقی مانده اند، ریشه در این جنبش دارند. امروزه و هر جا و با بحث احیای تعاونی ها و به هر ایده از اصطلاح "اقتصاد مشترک"، بر اساس توانایی و نیاز و نه بر اساس بهره کشی؛ درسهای بسیار مهمی از تجربه این تعاونی ها قابل ارجاع و توجه است.